



جمهوری اسلامی ایران

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

چالش‌ها و راهکارهای تحول کشور بر اساس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ضعف سرمایه اجتماعی تهدیدی برای اجرای سند الگو

سیدابوالفضل میر قاسمی

کارشناس منابع طبیعی و آبخیزداری، کارمند بازنشسته دولت، عضو اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگو

چکیده

سند الگو، یک سند بالادستی مهم است و بدون مشارکت فعال و موثر آحاد مردم و همچنین نهادهای مردمی و دستگاه‌های اجرایی دولتی و حکومتی و همچنین همکاری سایر قوا، امکان پیاده سازی و اجرا شدن را ندارد.
گفتمان سازی و تبیین سند الگو به زبان ساده و معرفی اهداف و برنامه‌های آن، می‌تواند به جلب مشارکت فعال دست اندرکاران کلیدی در فرآیند اجرای سند کمک کند.
مطمئنا در مرحله اجرا و پیاده سازی سند الگو، چالش‌هایی وجود دارند و مانع تحول و توسعه کشور میشوند. یکی از این چالشها، همانا ضعیف شدن سرمایه اجتماعی است. در دهه های اخیر، سرمایه اجتماعی، در سطح کشور ضعیف شده و در نتیجه، بی اعتمادی افزایش و مسئولیت پذیری و پاسخگویی کاهش و روحیه مشارکت و همکاری کمرنگ شده است.
ضعف سرمایه اجتماعی سبب بروز و یا تشدید بحران‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی شده است.
با توجه به شرایط خاص کشور، انتظار می رود که مسئولین امر، بیش از پیش، به نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی توجه کنند و عزم و اراده لازم جهت اعتماد سازی، شفاف سازی، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و همچنین جلب مشارکت فعال همه دست اندرکاران در فرآیند تصمیم سازی، تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا بوجود آید تا سرمایه اجتماعی تقویت شده و روحیه وفای، همدلی، همیاری، مشارکت، دوستی، صلح و صفا بر همه آحاد جامعه طنین انداز شود.
مردم، هم در اجرای سند نقش مهمی دارند و هم در زمینه مطالبه‌گری جهت پیاده سازی درست و به موقع آن توسط نهادهای ذیربط.

مقدمه

سند الگو، یک سند بالادستی است و بدون مشارکت فعال و موثر آحاد مردم و همچنین نهادهای مردمی و دستگاه‌های اجرایی دولتی و حکومتی و همچنین همکاری سایر قوا (مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و نیروی انتظامی) امکان پیاده سازی و اجرا شدن را ندارد.
بدیهی است که گفتمان سازی و تبیین سند الگو به زبان ساده و معرفی اهداف و برنامه‌های آن و همچنین تبیین ضرورت اجرای آن، می‌تواند به جلب مشارکت فعال دست اندرکاران کلیدی (شامل نهادهای دولتی و حکومتی، تشکل‌های مردم نهاد، بخش خصوصی، رسانه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و خود مردم) در فرآیند اجرای سند کمک کند.
مطمئنا در مرحله اجرا و پیاده سازی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چالش‌هایی وجود دارند و مانع تحول و توسعه کشور میشوند. یکی از این چالشها، همانا ضعیف شدن سرمایه اجتماعی است.
ایران کشوری است واقع در اقلیم خشک و نیمه خشک که از گذشته با کمبود منابع آب و بروز خشکسالی‌های طولانی مواجه بوده است. از طرف دیگر، توپوگرافی سرزمین ایران به گونه ای بوده است که به راحتی توسط دشمنان قابل دسترس بوده و بیش از ۴۲۰ بار از سمت شرق و غرب به ایران حمله شده و مال و ناموس و جان مردم به خطر افتاده است (غارنگری اموال و منابع مردم و یا اخذ خراج و مالیات و … سبب شده که اکثر مردم آمار واقعی اموال و دارایی‌های خود را پنهان کنند و به حاکمان که اکثرا غیرعادل بوده اند، اعتمادی نکنند).
نیاکان خردمند ما برای تسهیل شرایط زندگی در این جغرافیای سخت (فلات مرکزی ایران که دارای اقلیم خشک و نیمه خشک بوده و پوشش نمی از آن توسط کوهستانها و مناطق صعب العبور و بخش دیگری هم دارای مناطق بیابانی و شن‌های روان است) و تاب آوری و پایداری و حفظ بقاء، روشهای همکاری و مشارکتی متعددی را ابداع نموده بودند نظیر واره (شیرواره) و بُنه و همچنین ابداع قنات (برای استخراج آب زیرزمینی بصورت نقلی) و روشهای استحصال آب باران و احداث آب انبارها و نظایر آن.
کشاورزان، اقدامات سختی نظیر کاشت و داشت و برداشت محصول و همچنین حفر و لایروبی قنات و یا انهار (کانال آبیاری) را بصورت جمعی و گروهی انجام می دادند یعنی به همدیگر اعتماد داشتند و مسئولیت پذیر بودند.
روحیه همدلی و همکاری و مشارکت در بین آنها قوی بود و روزگار نسبتا خوبی داشتند.
ایرانیان، در هر ماهی و یا در مناسبت‌های مختلف (نظیر عید نوروز، زمان برداشت محصول، زمان کوچ عشایر و یا برای بزرگداشت سایر اعیاد و مراسم آئینی و یا مذهبی) مراسم جشن و پایکوبی داشتند تا هم تجدید قوا کنند و هم روحیه بگیرند برای تحمل شرایط سخت زندگی و هم نشاط و سلامت و شادابی لازم را داشته باشند برای تداوم زندگی.

در دهه های اخیر، بدلائل مختلف، سرمایه اجتماعی، در سطح کشور، ضعیف شده و در نتیجه، بی‌اعتمادی افزایش و مسئولیت پذیری و پاسخگویی کاهش و روحیه مشارکت و همکاری کمرنگ شده است.
ضعف سرمایه اجتماعی سبب بروز و یا تشدید بحران‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی شده است.
بعنوان مثال، ضعف سرمایه اجتماعی سبب شده که مردم به شرکتهای سرمایه گذاری و یا بازار بورس اعتماد نکنند و پس اندازهای خُرد خود را در اختیار آنها قرار ندهند (مطمئنا شرکتهای سرمایه گذاری امین و کارآزموده می‌توانستند با استفاده از آن پس اندازها، مشکل بیکاری و اشتغال جوانان را رفع کنند و در تولید کالا و ارزش افزوده (ثروت) و همچنین صادرات محصول و ارزآوری نقش آفرینی کنند).
بروز اختلاس‌ها و کلاهبرداری‌های اخیر سبب افزایش بی اعتمادی شده و مردم ترجیح میدهند که پس اندازهای خُرد خود را به بازارهای ارز یا طلا یا سکه و یا مسکن برده و در نتیجه سبب بروز تورم و گرانی (ایجاد حباب قیمت در آن بازارها) شده اند (یعنی هم مردم ضرر کرده اند و هم حاکمیت).

روش تحقیق

روش مطالعات کتابخانه ای

برخی دلایل و عوامل موثر در ضعیف شدن تدریجی سرمایه اجتماعی در ایران عبارتند از:

الف- دلایل فرهنگی

۱- تهاجم فرهنگی (بعضی سیاه نمایی‌ها و اخبار منفی رسانه‌های اجتماعی و یا شبکه های تلویزیونی ماهواره ای)

۲- بعضی خود تحقیری‌ها که سبب القای ناامیدی و به تدریج، کمرنگ شدن افتخارات و غرور ملی میشود

۳- ضعف عملکرد دستگاه‌های متولی حوزه فرهنگ و ارشاد اسلامی

۴- کم توجهی عمدی و یا سهوی به فرهنگ غنی و سابقه تمدنی ۷۰۰۰ ساله ایران (که به تدریج سبب کمرنگ شدن عرق ملی، روحیه وطن پرستی و وفاداری به سرزمین مادری میشود)

۵- اخبار ناامیدکننده رسانه ملی (IRIB) در خصوص وقوع اختلاس‌ها، کلاهبرداری‌ها، فیش‌های نجومی، املاک نجومی، مدارک تقلبی بعضی از مسئولین ارشد، اجناس تقلبی، فساد اداری، رانت خواری، زمین خواری، کوه خواری، جنگل خواری، بازداشت (زندانی شدن) و یا فرار برخی مسئولین به خارج از کشور و …

۶- ضعف نظام آموزشی در سطوح مختلف (ترویج مدرک گرایی، غلبه جو رقابت بر سر نمره درسی و شاگرد ممتاز شدن، غلبه رویکردهای فردی و تک روی بجای کار گروهی و تیمی و مشارکتی …)

۷- تقابل سنت و مدرنیته و بعضا ضعیف شدن هویت ملی و تاریخی (خود فراموشی و کم توجهی به سابقه فرهنگی و تاریخی ایران باستان و همچنین کم توجهی به دانش بومی ایرانیان)

۸- بیسوادی، کم سوادی، پایین بودن سطح آگاهی توده مردم، زودباوری، بعضا اعتقاد به جادو و خرافه و شانس

علاوه بر موارد فوق، آمدن فناوری‌های نوین و مدرن سبب آشنایی مردم با سبک زندگی غربی شده و فرهنگ زندگی غربی از طریق رسانه‌های مختلف بخصوص شبکه‌های تلویزیونی ماهواره ای، رسانه‌های اجتماعی (نظیر فیسبوک، اینستاگرام، تیک تاک، تلگرام، واتساپ و …) در بین مردم (بخصوص نسل جوان) نفوذ کرده و سبب شده که هر کسی صرفا به فکر منافع خودش باشد و فرهنگ فردگرایی غلبه یافته است.
شهرنشینی و زندگی آپارتمانی هم مزید بر علت شده است و هر کسی در لاک خودش است و کاری به کار همسایه و دیگران ندارد.
اگر هم کسی از ایشان درخواست کمک کند، به راحتی می گویند که "مشکل من نیست (مشکل خودت هست)".
بعضی جوانان هم به سبک زندگی غربی بدنبال لذت جویی و کامجویی بیشتر هستند و کمتر مسئولیت پذیر هستند (توجه بیشتر جوانان به مادیات و دوری از معنویت).

بعضی پدر و مادرها که در دوران کودکی، در یک خانواده سنتی و یا در شرایط سخت، زندگی کرده اند، سعی می کنند که بستر رفاه و آسایش را برای فرزندان دلبند خویش مهیا کنند (البته به شکل افراطی).
زندگی فرزندان در ناز و نعمت و بهره مندی از انواع خدمات رفاهی و آموزشی سبب شده که بعضی از این فرزندان، پرتوقع بار آمده و زیاده خواه شوند (آرمان گرا بجای واقع گرا) و در نتیجه، کمتر مسئولیت پذیر هستند.
یکی از اساتید، زندگی این نسل را به "فرزندان هتل نشین" تشبیه نموده است زیرا پدر و مادر مثل کارکنان هتل در خدمت ایشان هستند (و فرزندان در زمان انجام کارهای منزل، هیچ کمکی به والدین خویش نمی کنند) و یا پدر و مادر مثل یک راننده، مشغول سرویس دادن به فرزندان خودشان هستند (بردن فرزندان از مدرسه به کلاسها و دوره‌های آموزشی مختلف و سپس منزل).

بعضا بروز پدیده روان‌شناسی "درماندگی آموخته‌شده" یعنی بدلیل شرایط سخت زندگی و بروز ناکامی‌ها و شکست‌های متعدد، اعضای جامعه به این نتیجه می‌رسند که کوشش آنها منجر به پیشرفت نمی‌شود. آنها فکر می‌کنند که هر کاری انجام دهند دیگر به موفقیت دست نمی‌یابند (از تبعات بحران ناکارآمدی دولت‌ها و بروکراسی اداری پیچیده).

سند و تبیین کفشناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱۶

بازگشت

ب- دلایل اجتماعی

۱- افزایش جمعیت و کاهش منابع پایه (آب، خاک و گیاه) و در نتیجه بعضی مهاجرت‌های اجباری از روستا به شهر و یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و یا حتی خارج از کشور (فرار مغزها و مهاجرت نخبگان بدلائل مختلف)

۲- فقر، نابرابری و تشدید آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، طلاق، افزایش سن ازدواج، ازدواج سفید، بزهکاری، زندانبان، سرقت اموال، کودکان کار، زنان بی سرپرست یا بد سرپرست، تصادفات جاده ای و …)

۳- بعضی برخوردهای تبعیض آمیز (بعنوان مثال، اختصاص امتیازات و یا سهمیه خاص به بعضی افراد بدلائل مختلف)

۴- بعضی نابرابری‌های اجتماعی در دسترسی به امکانات و خدمات (بخصوص در حوزه آموزش، سلامت و بهداشت)

پ- دلایل اقتصادی

۱- فقر، محرومیت و شرایط بد اقتصادی و بی ثباتی قیمت‌ها (تورم، گرانی، کاهش ارزش پول ملی، رکود اقتصادی، بیکاری، تبعات تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، سوء مدیریت‌ها و …)

۲- غلبه اقتصاد رانتی و تبعات ناشی از آن در بروز نابرابری‌ها و فساد

شرایط بد اقتصادی و فرار گرفتن ۸ دهک اعضای جامعه در زیر خط فقر سبب شده که دغدغه اصلی مردم تامین نیازهای اولیه و ضروری زندگی (هوای سالم، تامین آب، غذا، پوشاک، سلامت، وسایل بهداشت فردی، تامین هزینه تحصیل فرزندان، مسکن و نظایر آن) باشد و اکثر مردم جامعه در "قاعده هرم مازلو" گرفتار شده اند و در نتیجه به فکر دوستی، عشق، تشکیل خانواده، خودشکوفایی، مسئولیت پذیری و کمک به دیگران نیستند.
به قول معروف: "هر که به فکر خویش است."
هر کسی تلاش میکند تا گلیم خود را از آب بیرون بکشد و فرصتی برای کمک به همنوع و دیگران ندارد.

نتایج و بحث

ت- دلایل سیاسی و نهادی

۱- وعده‌های انتخاباتی محقق نشده (توسط مسئولین در سطوح مختلف و همچنین کاندیداهای ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا).

۲- بی ثباتی قوانین و مقررات و تغییرات زیاد در آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌ها (بعضی برخوردهای سلیقه ای)

۳- بعضی برخوردهای عوام فریبانه و نمایشی و تبلیغاتی (رویکردهای پوپولیستی و فریبکارانه)

۴- بعضی اعمال نفوذها و یا سختگیری‌ها در خصوص ایجاد نهادهای مدنی (بعضا سختگیری وزارت کشور و یا فرمانداری‌ها در خصوص صدور مجوز برای تاسیس تشکل های مردم نهاد، NGO)

5-کضعف در نظام حکمروایی (تصدیگری بیش از حد دولت و کم توجهی به رشد بخش خصوصی و نهادهای مدنی)

۶- تعدد مراجع تصمیم گیری و بعضا موازی کاری‌ها و دوباره کاری‌ها و پراکنده کاری‌ها

۷- مداخله دولت در همه امور که روز به روز، سبب وابستگی بیشتر مردم به خدمات دولتی شده است (حدود ۷۰٪ اقتصاد کشور در دست شرکت‌های دولتی، خصولتی، حکومتی و یا نظامی است و بخش خصوصی اجازه رشد چندانی ندارد)

۸- ضعف در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی سازی) یعنی تبدیل شدن شرکتهای دولتی به شرکتهای خصولتی

۹- غلبه نظام اداری (بروکراسی) پیچیده و چند لایه که در عمل، مانع کارآفرینی و اشتغالزایی و رشد بخش خصوصی میشود.
بعضا سختگیری در اعطای مجوزها و یا تسهیلات مورد نیاز جهت راه اندازی کسب‌وکارهای جدید (فراهم نبودن "بستر تواناساز" و یا قادرساز در زمینه ظرفیت سازی و توان افزایی)

۱۰- بعضا اعمال سانسور و محدودیت در انتشار کتب و مجلات و روزنامه ها

۱۱- ضعف در انتخاب مدیران و بعضا عدم رعایت شایسته سالاری و یا انتخاب مدیران ارشد یک سازمان از خارج از آن سازمان که سبب بی انگیزگی و دلسردی کارکنان میشود.

۱۲- انتصاب بعضی از اساتید دانشگاه در پست‌های سازمانی دستگاه‌های اجرایی که هم به دانشگاه ضربه میزند (بخش مهمی از وقت استاد صرف امور اداری و اجرایی میشود و از غافله علم عقب می ماند و نمیتواند به دانشجویانش خدمات آموزشی و مشاوره ای درستی بدهد) و هم به دستگاه اجرایی (زیرا مدت زمان زیادی طول می کشد تا آن استاد دانشگاه با امور اداری و اجرایی و قوانین و مقررات موجود آشنا شده و کارایی لازم را بدست آورد).

۱۳- مذمت ملی گرایی توسط بعضی مسئولین و یا بعضی از رسانه ها

۱۴- بعضا غلبه فساد اداری و ضعف در برخورد با مدیران خاطی (بعضا جابجا شدن مدیران ناکارآمد بجای حذف آنها)

۱۵- کوتاه بودن عمر مدیریت در دستگاه‌های دولتی و تغییر مدیران بدلائیل اعمال برخی ملاحظات سیاسی و یا جناحی

ث- دلایل محیطی

۱- تخریب سرزمین، تغییر اقلیم، فرسایش خاک، بلایای طبیعی (نظیر وقوع زلزله، سیل، آتش سوزی جنگلها، هجوم ریزگردها، زمین لغزش و …) که سبب کاهش منابع شده و در نتیجه، در بین بهره برداران محلی، مسئله "تعارض منافع" پیش آمده و رفاقت‌های قبلی به رقابت‌های ناسالم تبدیل شده و به نوعی با پدیده "تراژدی منابع مشترک" مواجهیم.
و دیگر از روحیه مشارکت و همکاری های قبلی نظیر واره و بُنه خبری نیست.
حفر بیش از ۵۰۰ هزار چاه عمیق غیرمجاز، نشان از ضعف سرمایه اجتماعی و رقابت شدید در بین کشاورزان برای بهره برداری بی رویه از منابع آب زیرزمینی است که سبب بروز فاجعه فرونشست اراضی شده و حتی شهرها و بناهای تاریخی و باستانی را با خطر تخریب مواجه نموده است.

ج- سایر عوامل

۱- بعضا کم توجهی به سرمایه‌های نمادین (هنرمندان، قهرمانان ورزشی و افراد مشهور و نام آور و افتخارآفرین برای کشور)

۲- بعضا بد عمل کردن افراد مشهور (سلبریتی ها) و تاثیر منفی ایشان بر دوستداران و دنبال کنندگان (فالورها)

۳- بعضی مشکلات اخلاقی نظیر منیت‌ها، خودخواهی‌ها، غلبه نگاه صنفی و جناحی، اختلاف نظر (عدم اجماع نخبگانی) و یا کم کاری جامعه روشنفکر، بزرگان، خبرگان، نخبگان و سرمایه‌های نمادین در حوزه سیاستگذاری عمومی

۴- بعضا دین گریزی و دین ستیزی جوانان تحت تاثیر بعضی برخوردهای نادرست و یا تهاجم فرهنگی

پیشنهادها

با توجه به شرایط خاص کشور، انتظار می رود که مسئولین امر، بیش از پیش، به نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی توجه کنند و عزم و اراده لازم جهت اعتماد سازی، شفاف سازی، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و همچنین جلب و جذب مشارکت فعال همه دست اندرکاران در فرآیند تصمیم سازی، تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرا بوجود آید تا سرمایه اجتماعی تقویت شده و روحیه وفای، همدلی، همیاری، مشارکت، دوستی، صلح و صفا بر همه آحاد جامعه طنین انداز شود.

مطمئنا وقتی مردم، احساس تعلق خاطر داشته باشند نسبت به سیاستها و برنامه‌های پیشنهادی دولت، امکان پیاده سازی و اجرایی شدن سند الگو فراهم شده و نه تنها مقاومتی پیش نخواهد آمد بلکه میزان مشارکت و همکاری مردم در مرحله پیاده سازی سند الگو بیشتر هم خواهد شد.
پیاده سازی و اجرای سند الگو، نیاز به یک عزم ملی و اراده جمعی (بسپج اجتماعی و مشارکت فعال آحاد مردم) دارد والا اهداف و برنامه های موردنظر آن به موقع اجرا نشده و اثربخشی لازم را نخواهند داشت.
بدیهی است، مردم هم در اجرای سند نقش مهمی دارند و هم در زمینه مطالبه گری جهت پیاده سازی درست و به موقع آن توسط نهادهای ذیربط و هم میتوانند مشارکت کنند در جهت اصلاح و بهبود سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (بهنگام سازی آن).

منابع

۱- یادداشت های قبلی نویسنده

۲- مقالات و کتب علمی اساتیدی نظیر آقای دکتر مرتضی فرهادی در مورد واره و مشارکت و دانش بومی ایرانیان

۳- هرم مازلو چیست (نقل از وبسایت همیار آکادمی

https://hamyar.com/maslow-pyramid/)